

۱۲ پیاپی **شش‌های یک‌مختار فی‌فبال-۱۲** → ^{امیر صدیقی}

داستان سربازها و شاه‌ها

هر دو بازی اول مرحله یک‌هشتم نهایی جام نوزدهم بازی‌هایی نزدیک، سخت و پر از فراز و نشیب بود. در واقع در این دو بازی که هیچ تیم بزرگی در آنها حاضر نبود، بازی‌ها پر از صحنه‌های دراماتیک و لحظه‌های تلخ و شیرین و پر از احساس شد. هیچ کدام از این دو بازی را نمی‌شد از لحاظ نوع بازی در سطح بازی‌های «فوق‌العاده» و «بسیار زیبا» ارزیابی کرد اما بازی‌ها هر دو «مهیج»، «حاس» و «دراماتیک» بودند و این باعث می‌شود دوباره یادآوری کنم که ششیه «حذفی» یسا حتی نوآوری مثل «دوحذفی» می‌تواند جام جهانی را به جایگاه سابق خود (کارناوالی از هیجان و احساس و شور در بازی‌هایی که هر کدام حکم مرگ و زندگی دارد) بازگرداند.

وقتی باران بارید

سرنوشت بازی اروگوئه – کره جنوبی را چه کسی رقم زد؟ مهم‌ترین عنصر دخیل در نتیجه این بازی به نظر من باران شدید بود. در واقع از زمانی که باران بارید بازیکنان اروگوئه تا حدودی مسلط‌تر از کره‌ای‌ها نشان دادند و تعداد سر خوردن‌ها و اشتباهات آنها کمتر از حریف آسیایی بود. همان سرخوردگی‌ها و اشتباهات شخصی کافی بود تا اروگوئه در رقابتی که در آن برتری خاصی بر حریف نداشت یکی از شیرین‌ترین پیروزی‌های تاریخ خود را کسب کند.

اروگوئه ساختار تیمی جالبی دارد، اگر بخواهم ساده بگویم باید اشاره کنم که این تیم سه چهره شاخص در ساختار تهاجمی خود دارد (لوئیس سوارز، دیه‌گو فورلان و ادینسون کائالی) که هر سه در تیم‌های باشگاهی خود تقریباً مهاجم نوک یا مهاجم مکمل هستند، اما اسکار تاباراس کائالی را به عنوان هافبک آزاد تهاجمی به کار گرفته، فورلان مهاجم مکمل آزاد و سوارز مهاجم نوک است. در واقع تیم اروگوئه از هشت سرباز و سه شاه تشکیل شده است و سایر نفرات تیم در خدمت رساندن توپ به این سه بازیکن و سپس استفاده از هنرهای این بازیکنان هستند. هنر تاباراس، در این است که تیمی ساخته که در آن از هنر بازیکنان کلیدی خود در کنار دوندگی و جنگندگی سایر بازیکنان استفاده می‌کند. اروگوئه‌ای‌ها به شدت منظم و هدفمند هستند و در این جام انگیزه زیادی هم برای کسب موفقیت دارند. شاید در مورد اروگوئه ذکر این نکته بهترین توضیح باشد که هر سه فوق ستاره این تیم اگر در تیم‌هایی مثل برزیل، آرژانتین، انگلستان و اسپانیا بودند باید روی نیمکت می‌نشستند.

اما کره جنوبی حیف که حذف شد. کره‌ای‌ها یک تیم عالی و فراتر از انتظار بودند که در مقابل هیچ حریفی – حتی آرژانتین – کم نی‌آورند. اعتماد به نفس عالی کره‌ای‌ها و بازی ترکیبی آنها و دارا بودن توانام قدرت بدنی و تکنیک نشان داد که کره جنوبی را باید فراتر از قاره آسیا دانست. شاید اگر کره‌ای‌ها دروازه‌بانی باتجربه‌تر داشتند یا چوپونگ پارک و لی دونگ گوگ دو مهاجم این تیم کمتر افرادی بازی می‌کردند و بیشتر قدر موقعیت‌ها را می‌دانستند حالا آنها به جای اروگوئه‌ای‌ها جشن می‌گرفتند. اما صعود کره با آن حالت مششوک تا رتبه سوم جهان در سال ۲۰۰۲ باعث می‌شود خیلی هم از حذف این تیم ناراحت نباشم و فکر کنم که شاید صعود اروگوئه – که احتمالاً تا نیمه نهایی هم پیش خواهد رفت – جذاب‌تر و دراماتیک‌تر باشد.

امریکا حیف شد

اولین بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای جام درست مثل بازی اول بود؛ تیم باتجربه‌تر گل اول بازی را خیلی زود به ثمر رساند، سپس عقب نشست و تیم دیگر آنقدر حمله کرد تا به گل رسید، اما تیمی که به گل اول رسیده بود روی یک حرکت انفرادی بازیکن کلیدی خود به گل دوم رسید و پس از آن هم بازی را کنترل کرد و به مرحله بعد صعود کرد. فقط فرق ماجرا در این بود که غنا در ۱۲۰ دقیقه آمریکا را شکست داد و دیگر هم اینکه حذف امریکایی‌ها شاید از حذف کره‌ای‌ها ناراحت‌کننده‌تر بود.

غنا هم مثل اروگوئه تیمی است متکی بر سه یا چهار بازیکن، رایه واچ صرب را می‌شود مربی بزرگی دانست، چرا که ایف بازیکن آوبینوین از دسته دوم فرانسه و اینکوم نیمکت‌نشین بازل را به بازیکنان محوری تیمش بدل کرده. این دو در کنار آساموآجیان نوک پیکان حملات و کوین پرنس-بوانتگ (سهم غنایی‌ها از برادران بوانتگ) محور تهاجمی غنا را می‌سازند و سایر بازیکنان تیم، جنگجویانی هستند که تلاش می‌کنند این چهار بازیکن را به دروازه حریفان برسانند. در غنا دو ستاره مثل آبیاه و مونتاری نیمکت‌نشین شده‌اند اما نیمکت‌نشینانی آنها و نبود اسین تیم را ضعیف و متزلزل نکرده، پس قبول کنید که رایه واچ، حداقل در این جام مربی موفق یا بسیار موفقی بوده است. اما به نظر من باب بردلی مربی‌ای بزرگ‌تر از او است.

اطلاع
از **دامه در صفحه ۱۶**

→ ^{امیر فیاض فرمیی}

نقطه نقطه خط

– سالار، تصمیم گرفت تیم فوتبال محل رو به جام جهانی بفرسته؛ صغری خانوم اسپانسر تیم شد و سرانجام تیم بدون بازی‌های مقدماتی و با هک کردن سایت فیفا به دست صدرا به جام جهانی راه پیدا کرد و من رو همراه بازیکنان و هیات همراه تیم، تو بشکه سوار به کشتی نفتکش راهی آفریقای جنوبی کردن…

کسی نمی‌دونه نه فقط طول نفتکش چند متره؟ نه؛ یعنی کسی واقعاً نمی‌دونه؟ سوال بعد؛ کسی نمی‌دونه نفت خام با چی راحت‌تر تمیز میشه؟ این رو هم نمی‌دونین؟ واسه چی می‌پرسم؟ آخه هر چی نگاه می‌کنم ته این کشتی لعنتی رو نمی‌بینم. انگار آخرش به همون افق ناپیدایی دریا ختم میشه. لعنت به جام جهانی. آقا من اصلاً چه کاره بودم؟ حالا آخر کشتی به چه دردم می‌خوره. شما هم جای من بودین آخر کشتی مهم‌ترین اصل زندگی‌تون میشد. شب وسط رویای امریکایی غنایی‌ها، خدمه کشتی برای جشن ریختن تو انبار. مثل اینکه چند تا غنایی تو کشتی فهمیده بودن که باید عرق ملی داشته باشن و به خاطر صعود به تیم آفریقایی تو مسابقات که تو ی خود آفریقا بر گزار میشه به یک‌چهارم نهایی جام، سبور و سالتی به پا کنن. حالا این آفریقایی‌ها واسه ما باهوش و ذکاوت شدن. اون بشکه چاقه که گزارشگر رو به زحمت توش جا داده بودیم رو که یادشونه؟ آقا انقدر تو بشکه وول خورد که حواس این ملوانای از همه جایی خبر رو به خودش جلب کرد. مردک حششه شام کوسه‌ها بشه. من بفهمم آوردن این یکی ایده کی بوده؛ قطعاً همون کاری رو می‌کنم که با نفر قبیل کردم. خلاصه بعد از لو رفتن کاپیتان ما رو به صف کرد و تمام تلاش‌اش رو به کار بست تا عادلانه‌ترین تصمیم رو درباره مسافران قاچاقی که سوار نفتکش شده بودن، بگیره. حالا من هرچی بگو که رایا همه چی هماهنگه؛ خود اسند گفته؛ اصلاً گوش اقا بدهکار نبود. آخرشم تمام کاری که مدرک تافل من نکرد، ایما اشاره سالار جان انجام داد. این رومن گاری راست میکه جدأ. زبان مثل دیوار عمل می‌کنه. اینجا واسه من دونستن زبان انگلیسی مثل دیواری عمل کرد که کامل رو سرم خراب شده باشه و بی‌زبونی سالار… می‌مون.

نتیجه اینکه الان که کار تمیز کردن عرشه رو از این گوشه نزدیک دماغه کشتی شروع کردم، بچه‌های تیم رو می‌بینم که دو تا بشکه گذاشتن این ور، دو تا بشکه گذاشتن اون ور دارن با تیم منتخب ملوانان به بازی دوستانه انجام میدن. نمی‌دونم از ترس اینکه خوراک کوسه‌ها نشن تا الان ۱۵ تا گل خوردن یا ذات بازیشون همینه که الان دارن نمایش میدن. از اون آرایش شطرنج‌گونه بازی با ایرلند شرقی خبری نیست و بازیکنان آزادانه دارن بین دروازه‌ها قدم می‌زنن. اون سه تا غنایی خدمه کشتی از برد تیم ملی‌شون جوگیر شدن و دارن همین طور آمار گل‌های زده غنا رو بالا می‌برن. خدا کنه غنا به فینال نرسه چون اگه بازیکنان‌شون همین جوری باشن که الان تو کشتی شادم، دمار از روزگار تیم درآوردن. گزارشگر محبوب‌مون هم اون وسط روی به بشکه نشست و یکی در میون یادش میفته به رنگ پیراهن بازیکنان اشاره کنه… حالا بازیکن سفیدپوش پاس میدده به… اون یکی بازیکن سفیدپوش. حالا بازیکن سفیدپوش همه با هم حمله می‌کنن… با این گزارش کردن نوپرش رو آورده. کاپیتان ۲۰ بار لیست تیم رو بهیش داد، حتی بازیکنان اسمشون رو داد می‌زنن، ولسی بار داره کار خودش رو می‌کنه. این طریقم که روانه. سالار خان اینجا، سالار خان اون‌جا، سالار خان همه‌جا. شنم همچنان در عرصه خبررسانی فعاله. به چیزی در مورد تلکس خبرگزاری شنیده بود، حالا داره با مورس تجربیات جدیدی رو به جهانیان عرضه می‌کنه. فکر کنم آخرین بار که خبرنگاری از مورس برای انتقال خبر استفاده کرده، اواخر جنگ جهانی دوم بوده باشه. الان شنم نیستم داره نقطه نقطه خط خط نقطه رو هی بلند بلند تکرار می‌کنه. من نمی‌تونم گریه کنم که این پنهام مورسی رو به محل مخایره کنه کی اون‌جا می‌خواد از متن خبر سر بردیاره. امیدوارم راپر خبری ناتاشا نباشه که از دل همین به جمله که شنیدم به روز از صبح تا ظهر ترجمه کرده و فرستاده «ما خویم» به مصیبت‌نامه در خصوص مشقات سفر به آفریقای جنوبی تولید خواهد کرد.

کاش به شوینده قوی اینجا بود تا کار شستن عرشه زودتر تموم شه. وای صغری خانوم… از اون جاترو، لعنتی کارن اون‌جا رو تی کشیده بودم.

پیروزی غنا مقابل امریکا تنها موجب خوشحالی

مردم این کشور نشد، بلکه تمامی آفریقا صعود این تیم به مرحله یک‌چهارم نهایی جام ملت‌ها را جشن گرفتند. با حذف آفریقای جنوبی، الجزایر، ساحل عاج، نیجریه و کامرون در همان مرحله گروهی، غنا تبدیل به نماد فوتبال قاره سیاه در جام نوزدهم شد و ستاره‌های سیاه (لقب تیم ملی غنا) در اولین بازی خود در مرحله حذفی، طرفداران پرشمار خود را ناامید نکردند.

بی‌دلیل نبود که پس از پیروزی غنا مردم آفریقای جنوبی هم در کنار طرفداران غنا این موفقیت را جشن گرفتند و در آن سو بازیکنان غنا پیروزی خود را به کل مردم آفریقا تقدیم کردند. دیدار شنبه شب غنا– امریکا مسابقه پرهیجانی از آب درآمد؛ در همان دقیقه پنج بازی کوین پرنس بوانتگ نماینده آفریقا را پیش انداخت. در نیمه دوم لاندن دانائون از روی نقطه پنتالتی کار را به تسلاوی کشاند تا این دیدار، اولین جام نوزدهم باشد که به وقت اضافی کشیده می‌شود. این بار نوبت به آساموا جیان مهاجم ارزشمند ستاره‌های سیاه رسید که با استفاده از قدرت بدنی و تکنیک بالای خود گل پیروزی‌بخش تیمش را در دقیقه ۹۳ بازی به ثمر برساند. به این ترتیب غنا هم به همراه اروگوئه به مرحله یک‌چهارم نهایی پا گذاشت. عابدی پله اسطوره فوتبال معتقد است شنبه‌شب، شبی مهم برای تمامی آفریقا بود: «این، شب زیبایی برای فوتبال آفریقااست. مردم می‌گفتند ما نمی‌توانیم میزبان خوبی برای جام جهانی باشیم و تیم‌های آفریقایی نمی‌توانند به مراحل بالای جام برسند. ما ثابت کردیم چه توانایی‌هایی داریم.» جالب است بدانید آندره آیپوه یکی از ستاره‌های کنونی غنا پسر عابدی پله است. بازیکنان غنا هم کاملاً با ملی‌پوش سابق این تیم هم‌عقیده‌اند.

پیروزی غنا مقابل امریکا موجب شده تمامی اعضای این تیم با اعتماد به نفس بالایی از راه یافتن به نیمه‌نهایی صحبت کنند. اروگوئه تیمی نیست که غنا به شکست دادن آن فکر نکند و به همین دلیل ستاره‌های سیاه کاملاً به آینده امیدوارند. میلیوآن رایه‌واچ مربی صرب غنا هم می‌داند تیم تحت هدایت او متعلق به یک قاره است و تمامی آفریقایی‌ها انتظار دارند غنا همچنان در جامی که در این قاره برگزار می‌شود به پیش برود: «نامی‌دوم مردم غنا چقدر خوشحالند. من هم به خاطر آنها خوشحالم. اکنون نگاه تمام دنیا به سمت ماست. هیچ‌کس پیش از آغاز رقابت‌ها فکر نمی‌کرد غنا تا این مرحله صعود کند. ما می‌خواهیم امید را در آفریقا زنده نگه داریم. می‌دانم فوتبال‌دوستان در سراسر دنیا فارغ از رنگ و قوم و ملت از فوتبال رینا حمایت می‌کنند. پس ما هم در سطح دنیا طرفدار خواهیم داشت که در ادامه رقابت‌ها از ما حمایت می‌کنند.» روزنامه‌های دیروز آفریقای جنوبی هم پر بود از مطالبی که به ستایش از غنا پرداخته بود. رسانه‌های کشور میزبان جام جهانی اعتقاد دارند که غنا افتخار و غرور آفریقااست و به همین دلیل باید شاهد حمایت چشم‌گیر اهالی آفریقای جنوبی از غنا در دیدار بعدی این تیم بود.

در فکر تاریخ‌سازی

این برای اولین بار نیست که یک تیم آفریقایی پا به مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی می‌گذارد. در جام جهانی ۱۹۹۰ شیرهای رامنشدنی کامرون برای اولین بار موفق به انجام این کار بزرگ شدند. آنها برای رسیدن به نیمه‌نهایی تنها هفت دقیقه کم آوردند. در

سال پنجم ■ شماره ۹۹۸ ■ دوشنبه ۷ تیر ۱۳۸۹



آیا آفریقا به آرزویش می‌رسد

غنا در رویای نیمه‌نهایی

این موفقیت بسنده کنیم. اگر خودمان را باور کنیم می‌توانیم باز هم به کار خود در جام ادامه دهیم.» بالاتر برویم. اگر خودمان را باور داشته باشیم می‌توانیم نخستین تیم آفریقایی حاضر در گروه ۴ تیم پایانی باشیم.» آساموا جیان، ستاره غنا هم به چنین رویایی فکر می‌کند: «ما سومین ملت آفریقایی هستیم که به مرحله یک‌چهارم پایانی جام جهانی راه یافته‌ایم. همه ما احساس غرور می‌کنیم؛ نه فقط برای غنا بلکه برای تمام آفریقا.» جیان پیروزی شنبه شب را به قاره آفریقا تقدیم کرد. بوانتگ بازیکنی که گل اول را وارد دروازه امریکا کرد و پیش از شروع جام جهانی با شکستن پای می‌شائیل بالاک خبرساز شده بود هم در رویای حضور در نیمه‌نهایی به سر می‌برد: «حالا به دنبال افتخارهای بیشتر هستیم. نباید به

سال بعد به جای پا از زبانش استفاده کرد؛ «فیگو یک خوک خائن است.» او قبل از ال‌کلاسیکو (نبرد رئال‌مادرید و بارسلونا) چنین جملاتی را بر زبان آورد تا کوچک‌ترین تردید درباره دیوانه بودن تمام نافع‌ها از بین برود. هریستو استویچکوف چندی بعد هدایت تیم ملی بلغارستان را بر عهده گرفت اما درست مانند ماتئوس، دیگر گلزن بازی تاریخی مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۹۴، هرگز مربی بزرگی نشد. شآن او تا حد تیم‌های متوسط لیگ‌های آسیایی پایین آمد و سرانجام کارشناسی فوتبال را ترجیح داد. پس از ماه‌ها بی‌خبری، سایت گل سراغ تک‌خال فوتبال بلغارستان در دهه ۹۰ رفت و چند سوال پرسید. —

—**چرا رونیی در بازی‌های مرحله گروهی انتظارات را برآورده نکرد؟**
چون فشار زیادی روی دوشش بود. مختصات بسازی در منچستر یونایتد با شکل حضور در تیم ملی انگلیس تفاوت دارد. هر گاه وین گل نزده، انگلیس به دردر افتاده است. در بازی‌های مرحله گروهی تمام تیم بار روانی زیادی داشت، نه فقط رونی، مسی و رونالدو بهترین بازیکنان حال حاضر جهان هستند و با وجود همه انتقادهای آمادگی لازم را دارند. از بین این سه نفر فقط رونالدو در مرحله گروهی موفق به گلزنی شد. به نظر من وین در آینده نزدیک بیش از پیش در لباس تیم ملی انگلیس لیاقت‌هایش را به اثبات می‌رساند.

—**کدام تیم شما را تحت تأثیر قرار داد؟**
تا به حال هیچ‌کدام از حاضران در جام جهانی مرا تکان نداده‌اند. تکنیک‌های متنوع فضایی برای هنرنمایی مهاجمان باقی نگذاشته و سیستم‌های بسته تدافعی بار دیگر احیا شده است. معتقدم از

چهارم هستند و با وجود همه انتقادهای آمادگی لازم را دارند. از بین این سه نفر فقط رونالدو در مرحله گروهی موفق به گلزنی شد. به نظر من وین در آینده نزدیک بیش از پیش در لباس تیم ملی انگلیس لیاقت‌هایش را به اثبات می‌رساند.

—**چ‌چه کسی آقای گل می‌شود؟**
در حال حاضر دو مهاجم نامدار مدعی عنوان آقای گلی هستند. داوید ویا و گونسالو هیکواین. هر دو گل زدن در جام جهانی کار بسیار دشواری به حساب می‌آید. البته نام تیم این دو بازیکن نیز در

گل معروف به فرانسه در مرحله مقدماتی، لچکوف و استویچکوف به تاریخ فوتبال سنجاق شد، درست مانند تصویر گریان بود وایلنگرنر، دروازه‌بان آلمان در لحظه خداحافظی با فوتبال ملی پس از پایان رقابت. بلغارستان به لطف طلایی‌ترین نسل تاریخش تا نیمه‌نهایی پیش رفت و هر چند حتی سوم هم نشد اما جلوتر از رومانی سمبل شرقی‌های مبارز در سال‌های ابتدایی فروپاشی شوروی نام گرفت. بهترین بازیکن آن سال اروپا در بارسلونا و تیم ملی به ادامه هنرنمایی پرداخت و البته در سال‌های پایانی دوران حرفه‌ای هرگز موفق به تکرار موفقیت‌های یوآلف، پونف یا سال ۱۹۹۴ نشد. ستاره عصمی کاتالان‌ها چندین بار یک‌سرمربی و یک بازیکن، کاستادینوف (زننده

موفقیت‌شان تأثیر دارد چون اسپانیا و آرژانتین به شکل سنتی تا مراحل پایانی میهمان تورنمنت‌های بزرگ هستند. خوشحالم که داوید ویا یکی از بهترین مهاجمان حال حاضر دنیا به بارسلونا پیوسته است.

—**اگر فابریکاس هم لباس آبی اناری بارسلونا به تن کند، شادی شما مضاعف می‌شود؟**

البته فابریکاس پس از سال‌ها بازی در آرسنال باید بهترین تصمیم را بگیرد؛ پیوستن به بارسلونا. حضور یکی از برترین هافبک‌های دنیای فوتبال کنار متخصصانی مانند ژاوی و اینیستستا، یک مثلث رویایی را برای کاتالان‌ها می‌سازد. حضور داوید ویا و مسی در خط حمله بارسلونا را به یک تیم رویایی تبدیل می‌کند.

از آنجا که در بندر بارسلون زندگی می‌کنم به تماشای بازی‌های بارسا در توکمپ می‌روم. این باشگاه خانه من به حساب می‌آید. دوست دارم در خانام بهترین‌ها را ببینم.

—**آیا میزبان جام جهانی ۲۰۱۰ عملکرد خوبی داشت؟**

کارلوس آلبرتوپیرا ناکامی بزرگ را نصیب برد و البته به اندازه کافی تقصیر داشت، چون به لیگ و بازیکنان داخلی احترام نمی‌گذاشت. او بی‌توجه به برنامه بازی‌ها به مدت یک ماه بازیکن شاخص باشگاه‌ها را به اردو می‌برد. فوتبالیست‌های آفریقای جنوبی مجبور می‌شدند بازی در مقاطع پایانی لیگ را بزنند. چرا پیرسرا به «هتو بوث» اجازه خودنمایی نداد؟ من در طول دوران مربیگری در «ساندوئیس» به توانایی‌های این ستاره ایمان آوردم. شخصاً ۱۰ بازیکن در تیم ملی داشتم. در فوتبال آفریقا سیاست نقش زیادی دارد.

—**امفلا دیگر شاگرد شما در آستانه بازی در لیگ بر تر انگلیس قرار دارد.**

او بهترین بازیکن آفریقای جنوبی است، استعداد فراوانی دارد و خیلی حرفه‌ای نشان می‌دهد. امفلا باید دیر یا زود آفریقای جنوبی را ترک کند. این مهاجم خوب تیم‌های انگلیس را انگشت به دهان خواهد کرد.

—**آیا میزبانی به ارتقای فوتبال آفریقای جنوبی کمک می‌کند؟**

استادپووم و زیرساخت خوبی دیدم اما سیاست‌زدگی در تصمیم‌گیری مشکلاتی به وجود می‌آورد، شاید روزی به آفریقای جنوبی برگردم چون عاشق این کشور هستم. با رئیس «ساندوئیس» مشکل داشتم اما به مردم و بازیکنانم ایمان دارم.
منبع: سایت گل